

تأملی بر کتاب " در جدال با خاموشی " اثری از نماد مبارزه و مقاومت ایران (اشرف دهقانی)

کبیر توخی

۲۰۰۷/۱۰/۲۶

فهرست عنوان ها :

- ۲- نماد مبارزه و مقاومت ایران و اثرش (" در جدال با خاموشی ") .
- ۳- تجاربی چند از جنبش انقلابی افغانستان در همین زمینه.
- ۴- مقوله هائی که شکل آنها با مضمون شان در تضاد قرار دارد.
- ۵- نظری به زندان در افغانستان .
- ۶- ماهیت زندان .
- ۷- «چرا پدیده ای به نام شکنجه !؟» .

۲

۲- نماد مبارزه و مقاومت ایران و اثرش ("در جدال با خاموشی ") :

رفیق اشرف دهقانی نویسنده کتاب در "جدال با خاموشی" که خود در زمان تسلط سلطنت شاهنشاه دیکتاتور وابسته به امپریالیزم جنایتکار امریکا (در واقع دست نشانده) در رابطه با سازمان پر افتخار " چریکهای فدائی خلق ایران " آن روز گرفتار و زندانی شده بود و در برابر شیوه های بازجوئی و شکنجه های جسمی و روانی که محصول تجارب چندین دهه سازمان سیا و مولود خبیثه آن ساواک در آن شرایط اختناق و پیگرد و شکنجه و زندان بود، نه تنها سرفرازانه تاب آورد و مقاومت نمود ؛ بلکه با فرار از زندان ، دژبانان ، بازجویان ، دژخیمان و در مجموع کل نظام شاهنشاهی را (که ؛ حتا در منطقه مداخله نظامی می کرد) در سطح جهان به شدت تحقیر و توهین کرد و با فرار تاریخی اش از آن سیاهچال مخوف به نماد مبارزه و مقاومت درمیان خلقت تثبیت هویت نمود ؛ با همین تجارب و پشتوانه مبارزاتی بی نظیر از یکطرف و از جانب دیگر جمع آوری کتاب ها ، مجلات ، مقالات ، اسناد و اوراق منسجم و پراکنده ، مربوط به زندان های دهه ۵۰ و دهه ۶۰ - با آن که دید و تفکر نویسندگان بر تحلیل و ارزیابی شان در نشرات یاد شده کم و بیش حاکم بوده - و مطالعه نقادانه و موشکافانه

آنهمه نشرات به مشکل دستیاب شده و قبول زحمت تماس با وابستگان زندانیان اعدام شده و آنانی که از زیر ساطور جلادان هر دو دولت وابسته و منفور، رهائی یافته اند [البته در عالم پراگندگی ایرانیان پناهنده در سراسر جهان] و جمع بندی مطالب و گفته های آنان با حفظ اصل امانت داری و مبرا از اشکال حب و بغض شخصی، سیاسی، فرهنگ و ...، در این اثر به مثابه فاکت های عینی و ملموس جا داده شده و سر انجام محتوای علمی تنظیم شده این کتاب را شکل " در جدال با خاموشی " داده است. بنابراین می توان گفت که در تاریخ جنبش انقلابی ایران در نوع خود نخستین باریست که چنین اثری پرارزش و رهگشا در رابطه با دولت دست نشانده و وابسته، زندان، شکنجه، مقاومت، ثواب و... در هر دو دهه بیرون داده شده است.

۳- تجاربی چند از جنبش انقلابی افغانستان در همین زمینه :

تاکس دستی بر آتش نداشته باشد از سوزش و سوختن چه می داند!؟

این قلم که خود در هنگام تجاوز ارتش غارتگر و جنایتکار سوسیال امپریالیزم شوروی سابق بر افغانستان [که هم اکنون امپریالیزم جنایت پیشه و تاراجگر امریکا و شرکاء، این سرزمین در خون و آتش فرو برده شده را در اشغال داشته و به کشتار دسته جمعی خلق تسلیم ناپذیر و در اسارت گرفته شده اش مشغول بوده و به تاراج ثروت هایش مصروف می باشند]، با قید ابد، یعنی ۱۶ سال در زندان مشهور و مخوف پلچرخ کابل محکوم شده بود؛ در تداوم هشت سالی که در زندان بود [بر طبق قانون رهائی زندانیان سیاسی ناشی از "مصلحه ملی"؛ دولت دست نشانده شوروی به ریاست دکتر نجیب - دیو خون آشام خاد - زندانیانی را که نصف مدت حبس شان را سپری کرده بودند رها کرد]؛ همانند سایر زندانیان آگاه و رسالتمند، با زندان و شرایط نهایت ضد انسانی و وحشتناک آن پیهم در حال مبارزه قرار داشت. سر انجام کوله بار روز تا روز سنگین و سنگین تر، آتشین و آتشین تر تجربیات، دست آورد ها و درگیری های سرسختانه اش با زندان داران و زندانبانان از یکسو و جناح های ارتجاعی فاشیزم مذهبی، تسلیم شدگان از طیف های چپ و راست و سایر جواسیس را از آن "دوزخ استعمار" در ازای تحمل اشکال زجر و انواع شکنجه های جسمی و روانی و در بدل از دست دادن هشت سال زندگی اش؛ به بیرون از زندان انتقال داد.

به نسبت پائین بودن سطح جنبش و محدودیت های تخنیکی در افغانستان، ما در گذشته (آنگاهی که رژیم شاهی به جمهوریت استحاله نکرده و تضاد ها حدت بعدی خود را نداشت) از مواد ارسالی شامل نوشته ها، تجارب و مبارزات رفقای چپ انقلابی ایران استفاده کرده ایم و همیشه از آثار ارزشمند و آموزنده کمونیست های ایران و تجارب گرانبهای جنبش انقلابی ایران استفاده می کردیم؛ از طرق و راه های مختلف آثار و کتب چاپ شده سازمان های انقلابی ایران را دستیاب می نمودیم؛ به گونه مثال دفاعیه زنده یاد خسرو روزبه کتاب دست هر جوان مشتاق مبارزه بود. بعد ها " حماسه مقاومت " اثر ارزنده و پر بار رفیق اشرف دهقانی کتاب روی دست هر پیر و جوان شامل هر هسته، محفل، گروه و سازمان چپ انقلابی افغانستان بود و تا هم اکنون

که کشور عزیز ما در اشغال امپریالیزم جنایت گستر و غارتگر امریکا و شرکاء قرار دارد از همان ارزش و اهمیت قبلی برخوردار است .

آثار ترجمه شده توسط مبارزان ایرانی از مارکس، انگلس، لنین، ستالین، مائوتسه دون و سایر شخصیت های برجسته جنبش بین المللی کمونیستی گرفته، تا آثار ادبی از نویسندگان کمونیست و دموکرات های انقلابی ایران و سایر کشور های جهان را به اشکال مختلف به دست می آوریم . به بیان دیگر افاده مطلب نمایم: ما از مواد چاپ شده اوراق و نشرات و ده ها جلد کتاب تألیف شده از نویسندگان های چپ ایران ویا ترجمه شده از منابع چپ خارجی توسط مترجمین انقلابی کشور ایران بهره برده ایم .

زمانی هم بحرانهای اجتماعی و هم جا به جایی طبقات حاکمه وابسته، یکی به جای دیگر در افغانستان فرا رسید: داوود خان با مجوز اتحاد شوروی کودتایش را عملی ساخت؛ در مرحله بعدی تکانهای مخرب کودتای ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ توسط توده ئی های افغانستان ("حزب دموکراتیک خلق" که هزاران تن را در زندانها و صد ها هزارتن را در خارج زندان وحشیانه به قتل رساندند)؛ و "مرحله تکاملی آن"، یعنی تجاوز عریان و مستقیم ارتش سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان؛ درواکنش به آن، جنگ مردم آزادیخواه ما علیه این تجاوز؛ به ادامه آن سلطه خونبار دولت دست نشانده؛ از یازد زندانیان سیاسی و سرکوب آنان در زندانها؛ و کشتار های دسته جمعی هزاران تن در پلیگون ها (که هم اکنون گور های دسته جمعی این قتل های عام در چند ولایت (استان) کشورکشف و برملا شده است) زیر نظر مستقیم اعضای KGB؛ قتل اسیران گرفتار شده توسط قوای اشغالگر شوروی در پایگاههای نظامی آنها در افغانستان، تهاجم باند های اسلامی و کشتار مردم در زندان ها توسط این جنایتکاران شرف باخته قبل از به اصطلاح سقوط دولت پوشالی نجیب الله جلال خاد؛ جنایات عجیب این باند ها در زندان ها و خارج از آن - بعد از تسخیر کابل - و پله تکاملی آن، یعنی حاکمیت طالبان وحشی ساخت امپریالیزم امریکا که زمینه را برای تجاوز عریان خالق امپریالیستی شان فراهم نمودند، سبب شد که هر کدام از عناصر چپ خاصاً چپ انقلابی افغانستان برداشتهای خود را از مراحل مختلف این شرایط خونبار داشته و نتایج چنین تجاربی که در واقع، محصول کودتا ها، تجاوزات، گرفتاری ها، بازجویی ها توسط "ضبط احوالاتی ها"، "اگسائی ها"، "کامی ها"، "خادی" های دولت دست نشانده و بازجویان شوروی، خادی های باند های اسلامی، جنگهای ارتجاعي فی مابین این باند ها، همینطور پولیس های مذهبی طالبان وحشی [مزید بر آن کار و بار جاسوسان دولت دست نشانده امپریالیزم امریکا (دولت کرسی) و بازجویی مستقیم زندانیان افغان توسط امریکائی ها در پایگاههای نظامی شان در افغانستان در طی سالهای اشغال کشور]، اشکال شکنجه و تجاوز و قتل های عام (در داخل و خارج زندان های شان) مقاومت و مبارزه مردم و فرزندان سربه کف شان در جبهات جنگ مقاومت و در زندان ها و بسا موارد مهم دیگر [که کشته شدن تقریباً یک و نیم میلیون مردم زحمتکش ما پایان آن نمی باشد] را جنبش انقلابی افغانستان از این که توانسته پشتاره بس عظیم رخداد ها و تجارب ناشی از آن را با جنبش انقلابی ایران و جهان در میان بگذارند؛ به خود می بالد . باشد با انتقال این

تجارب حد اقل دین مان را در قبال جنبش چپ انقلابی جهان ادا کرده باشیم (نشرات مجله ها و برقراری سایت ها مؤید این امر بوده می تواند) .

۴- مقوله هائی که شکل آنها با مضمون شان در تضاد قرار دارد:

بگذارید متواضعانه از خوانندگان گرامی بخواهم تا در قالب چند جمله کوتاه به مقوله زندان پرداخته ، در پی آن راجع به زندان در افغانستان اشغال شده توسط امپریالیزم جنایتکار امریکا و شرکاء چند سطری رقم زنم. مسلماً متعاقب آن به گوشه ای از متن بسیار ارزشمند و بلند ؛ متهیج و احساس برانگیز و آموزنده " در جدال با خاموشی " از نماد مبارزه و مقاومت ایران رفیق اشرف دهقانی ، طور بسیار فشرده پیردازم ؛ زیرا مشکل صحی و فرصت زمانی و مهمتر از آن اشتغال مبارزاتی ، برایم امکان پرداختن به تمام متن آموزنده این اثر پرمحتوا و مورد نیاز جنبش کمونیستی کشور ایران و... را نمی دهد و ؛ اما آنچه که برایم ارزیابی آن در خور بیشترین اهمیت می باشد، به طور بسیار فشرده به آن خواهم پرداخت . عجلتاً آنچه از مقوله و مقوله هائی که محتوای آن با اشکال شان در تضاد قرار دارند ، در ذهنم خطور نموده ؛ در اینجا تذکار آن را مفید می دانم :

کلاً مقولات و واژه ها از خود معانی و مفاهیمی مختص به خود را دارند. این معانی و مفاهیم در فرآیند کار و کردار اجتماعی انسان پوینده و جوینده جان گرفته ، بیان مختص و مشخص و یا عام و کلی را در قالب کلمات گنجانیده ، به وسیله همان قالب ها ، واقعیت های روینده ، یا میرنده را متجلی ساخته اند. یا به بیان دیگر، کلی ترین مفاهیم و معانی که در جریان یک علم تدوین شده ، اساس و بنیاد آن علم را تشکیل داده، به ارتقاء و تعالی بعدی و آتی آن خدمت کرده بتواند ، شکل مقوله به خود می گیرد . به طور مثال در علم فزیک: قوه ، مدار ، مرکز ، فرار ، جاذبه و... ؛ در علم اقتصاد: کالا، ارزش ، ارزش اضافی، ارزش مصرفی، کار اجتماعاً لازم و... ؛ در علم سیاست: دموکراسی، دیکتاتوری، کاپیتالیزم، سوسیالیزم، تئوکراسی، سکولاریزم و... ؛ در علم روان شناختی: به خودآئی ، خویش جدا سازی ، خویش اندودی ، عقده ، حقارت و... ؛ در علم حقوق اداره : " محکمه" ، " زندان " ، " حبس تعلیقی " ، " حبس ابد " ، " حبس طویل " ، " حبس قصیر " ، " تبعید " (تبعید در داخل و یا در خارج از کشور) ، " پارچه ابلاغ " (سند آگاهی مدت حبس زندانی) و... .

نهاد ها و مؤسسات خادم (به هر طبقه ای که تعلق گیرند) بر مبنای هرایدئولوژی و سیاست و یا هر علمی که بیخ و بنیاد گرفته باشند، کلی ترین مفاهیم خود را توسط مقولات و واژه های همان علم - در اندک لحظه - در ذهن خواننده یا پژوهشگرانی که کم یا بیش در مورد آن اطلاعاتی دارند ؛ به تصویر می کشند ؛ اما مقولات و واژه هائی هم هستند که ظاهراً بازتاب محتوای درونی خود بوده ؛ مگر در ماهیت امر، واقعیت هائی را در بطن خود حمل می نمایند که با جوهر اصلی شان در تعارض و تقابل دایمی قرار می داشته باشد. یا به کلام دیگر مضمون مقوله متضاد خود را حمل می نمایند ؛ همانند مقوله "ملل متحد" (در اصل این مقوله فریبنده ، وحدت نماینده طبقات حاکمه کشورها، یعنی دولتها بوده نه وحدت ملت ها در یک مؤسسه ، که میشود مؤسسه " دولت های متحد " بدان اطلاق کرد) و یا مقوله " تواب " که بعداً بدان خواهم پرداخت .

زندان هم در مؤلفه دولت ، که خود مؤسسه ای است برای سرکوب طبقات زحمتکش و بهره ده ، قدیمی ترین مقوله بوده ، همپای مالکیت خصوصی و حراست از آن شکل گرفته ، خود در روند تکامل و تحکیم مناسبات ابتدائی وساده ، پیچیده و پیچیده تر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید ، زایشگر بسا مقولاتی دیگر بوده است. مثل "پیگرد مظنون" ، " مجرم" ، " گرفتاری" ، " تلاشی" ، " الچک" [دست بند] ، " زولانه" [دو حلقه آهنی در پای محبوس وانتهای دوزنجیری که به حلقه دو پا وصل شده به دست زندانی داده می شود] ، " مستنطق" [بازجو] ، " شکنجه" ، اشکال شکنجه مانند : " تابوت" ، " قبر" ، " قیامت" ، " قین" یا " تیل داغ" [دور سر زندانی را خمیر می گیرند بعداً تیل - روغن - داغ را در آن خالی می کنند] و " فانه" [به دو سر رشمه و یا چرم دو چوب را داخل می نمودند بعداً آن را به دور سر زندانی قرار داده چوب ها را در جهت مخالف هم تاب می دادند . شدت فشار به جمجمه غیر انسانی ترین شکنجه می باشد] ، " کوته قفلی" (سلول مجرد) ، " اتاق عمومی" ، " پایواز" (کسی که برای زندانی لباس و اشیای مورد احتیاج وی را می آورد) ، " روز پایوازی" یا "روز ملاقاتی" ، " مرخصی" ، " قید ابد" ، " قید ... " ، " قید تعلیقی" (مجرم بعد از محکمه زندانی نمی شد به محض اندکترین اشتباه دو باره گرفتار شده و مدت قید تعلیقی را باید در زندان سپری می کرد) ، و بسا مقولات دیگر که در ارتباط با " زندان" در ایران و افغانستان و ... شکل گرفته اند .

۵- نظری به زندان در افغانستان :

محتوای درونی مقوله " زندان" در طی قرون و اعصار متمادی سیر حرکت تکاملی داشته است ، در درازنای تاریخ پر فراز و فرود ، کند و تند (بطی و پر شتاب) بشر، هر رژیمی که جای رژیم قبلی را اشغال کرده است ، در مورد ارتش و زندان ، یعنی در تحکیم و تکامل این دو ، توجه خاصی مبذول داشته ، دربی بر درب هایش ، قفلی بر قفل هایش ، دیواری بر دیوار هایش ، نگاهی بر نگهبانانش ، دژخیمی بر دژخیماناش ، سلولی بر سلول هایش و... ؛ افزوده است .



من خود طی سالیان متمادی ناظر دور و نزدیک تعمیر و تجهیز بیشتر زندان ها در چند تغییر شکلی نظام های دولتی بوده ام : کودتای داوود خان در ۲۶-۴-۱۳۵۲ که با مجوز اتحاد شوروی پیاده شد و ظاهرشاه را از قدرت برکنار نمود. در نخستین گام بخشی از توجه رهبر کودتا به زندان متمرکز گردید. به علاوه شماری از زندان ها در کابل ، من جمله زندان معروف و قدیمی " دهمزنگ" کابل آغاز به اعمار زندان وسیع الساحة جدید و مخوف در منطقه ای به نام پلچرخی نمود که به نام " زندان پلچرخی" مسمی گردید. کار

تعمیر آن را با مصرف بیشتر از ۵۰۰ میلیون افغانی [که به تناسب کل بودجه دولتش که در سال مالی ۱۳۵۴

بالغ بر نژده میلیارد و تقریباً دو صد ملیون افغانی می شد ، رقمی بود هنگفت]، تقریباً تکمیل کرده بود که کودتای ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ به دستور و مداخله اتحاد شوروی توسط توده ئی های افغانستان یعنی "حزب دموکراتیک خلق" صورت گرفت . رئیس دولت ، که به جانب غرب متمایل شده بود [به گونه مثال: شاه ایران در ملاقاتی با نماینده خاص داوود خان وعده پرداخت دومیلیارد دالر را به خاطر پیشبرد پروژه راه آهن به افغانستان داده بود] بناءً به دستور K G B با تعداد زیادی از اعضای خانواده اش در جریان مقاومت در ارگ ریاست جمهوری ، توسط نظامیان فرکسیون حزب " خلق " به قتل رسیدند

توده ئی های افغانستان (فرکسیون خلق آن) بخشی از کار نا تمام این زندان بزرگ را انجام داده بودند که فراکسیون دومی ("پرچم") ، که رابطه بسیار صمیمانه با برادران تنی شان ، یعنی توده ئی های ایران و اکثریتی های آن داشتند و هم اکنون دارند ؛ به یاری ارتش اشغالگر سوسیال امپریالیزم شوروی به قدرت رسیدند . اینها بعد از اشغال " زندان پلچرخ" یکی از اتاق های عمومی منزل اول "بلاک ۲" این زندان را به "کارگاه صنعتی" تخصیص دادند و کار سیستم آبرسانی آن را آغاز نمودند. درب و پنجره های اضافی که توسط زندانیان تسلیم شده ، یعنی توابعان افغان که در جریان تحقیق و یا شکنجه تسلیم شده کمر همکاری با خاد را بسته بودند و درکارگاه زندان کار می کردند ؛ ساخته می شد . در آن تعبیه کردند و " کوتاه قفلی ها " ، یعنی سلول های مجرد در گوشه و کنار این زندان اعمار نمودند، تا توابعان و تسلیم شده های خاین و جاسوس با خانم هایشان در آن جا خلوت نمایند تمام این کارها (از الچک ، و زولانه و زنجیر و... تا کارهای ساختمانی) به رهنمائی و تحت نظر انجنیران (مهندسان) تسلیم شده - مثل انجنیر پری عثمان [برادر زاده اکرم عثمان یک تن از توده ئی های قصبه نویس مورد توجه روسها که در هنگام تحصیل در تهران با ساواک ارتباط برقرار ساخت . بعداً در حالی که لگامش را روسها محکم در دست داشتند به سمت مستشار وزیر مختار در سفارت افغانستان در تهران مقرر شد اسلحه رژیم جمهورس اسلامی را به " حزب اسلامی وحدت " طرفدرا خمینی جلاد در بامیان و ... انتقال می داد] انجنیر عتیق ، انجنیر یوسف افروز ، انجنیر محمد نعیم (در واقع توابع شده ، البته نه به مفهوم کلی توابع در زندان های ایران) ؛ صورت پذیرفت .

امپریالیزم امریکا بعد از تجاوز و اشغال افغانستان ، علاوه بر این که در چند پایگاه نظامی در داخل کشور زندان ساخت ، که بزرگترین و مخوف ترین آن در پایگاه نظامی بگرام نزدیک به کابل اعمار گردید (زندانیان گوانتانامو هم در زندان همین پایگاه انتقال داده شدند) توجه خاصی به زندان معروف " پلچرخ " نمود. یک بار با مصرف (هزینه) یازده (۱۱) میلیون دالر [دلار] امریکائی "بلاک ۴" آن را - که قبلاً به زندانیان جنائی اختصاص داده شده بود - مطابق معیار های مدرن بازسازی نمود . در پی آن با مصرف هفده (۱۷) میلیون دالر دیگر ، بخشی جدیدی در داخل چهار دیواری این زندان وسیع الساحه اعمار کردند که بیش از ۳۰۰ سلول دارد و با مدرنترین آلات و ادوات حفاظتی و... مجهز می باشد ، تا زندانیانی را که در پایگاه نظامی گوانتانامو و در پایگاه نظامی بگرام محبوس اند ، به همین بلاک تازه اعمار شده و سایر بلاک های آن انتقال دهند .

۶- ماهیت زندان :

باید تذکار داد که زندان به مثابه دهان و دندان قوه قهریه دولت (من جمله جمهوری اسلامی ایران که در شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی رقبای زیادی در جهان ندارد) عمل کرده، زندانی را با دندان های زهر آگینش در هر لحظه زود گذر ده ها بار می جود، تا خردش نموده، سراپا مطیع و فرمانبردارش سازد. در چنین حالتی صرفاً زندانیان آگاه، مقاوم و سر سپرده مردم شان هستند که چون دانه های الماس می درخشند، نمی شکنند و خرد نمی شوند و به سان صخره های کنار ساحل در برابر شلاق موج های سنگین و خون افشان به خود نمی پیچند و سر تعظیم و تسلیم، در پیشگاه شکنجه گران مزدور و شرف باخته - این خادمان بی مقدار امپریالیزم جهانی؛ خم نمی کنند.

دراصل می توان گفت که زندان خود یکی از محراق های بسیار بسیار بهم فشردۀ سیاسی - استخباراتی (اطلاعاتی) بوده که دولت ها مخالفان شان را در آن محل، هر آن و هر لحظه تحت نظر داشته، حاکم بر سرنوشت آنان می باشند. می کوشند که با قید و نظم بسیار شدید و غیر قابل باور (غیر قابل باور؛ حتا برای قلم به دستانی سطحی نگر و ساده اندیش) و دسپلین استخوان شکن و غیر انسانی؛ تمامی حرکات و سکنات، ادا و اطوار، چگونگی گپ زدن و نگاه کردن، ایستادن و نشستن؛ حتا خوابیدن و در خواب حرف زدن و به دستشویی رفتن زندانی را نیز (شدیداً) تحت نظر داشته، در واقع امر تمامی عادات و کردار وی را مطابق دستور العمل های وضع شده آن " بالائی ها "؛ تغییر دهند و زندانی را از خودش، از اندوخته های علمی اش و هول انگیزتر و مدهشتر از آن، از فرزند، همسر، پدر و مادر و عزیزانش بیگانه سازند. زندانیان آگاه، دلیر، متعهد، مبارز، آزاده و شدیداً متنفر از رژیم، چون خسرو روزبه ها، اشرف دهقانی ها، سعید سلطانیپوری ها، وارطان ها، اشرف فدائی ها، محمود محمودی ها و... (و در افغانستان: لیب ها، رستاخیز ها، سرمد ها، مجید ها، بهمن ها، مسجدی ها و... حرمت و احترام و درود های بی پایان به مینا و احمد فیض ایندو شخصیت برجسته جنبش انقلابی افغانستان که در چنگال حزب اسلامی گلبدین و با همسویی خاد داکتر نجیب با آن حزب منفور در زیر شکنجه های غیر قابل باور آنان اسطوره آفرینند.)، در این عرصه بسیار به هم فشرده هم از مبارزه به ضد رژیم دست نمی کشند، نمی گذارند که مشاوران و متخصصان شکنجه و روانشناسی، آنان را از خویشتن خویش جدا سازند. زندانیان معتقد و باورمند به امر رهایی انسان از اشکال ظلم و تعدی و تجاوز و استثمار و استعمار و چنگال سیاه دین و مذهب، این شکل مبارزه را در آن جو مدهش و مرگبار، مقدم بر همه ابعاد آن، در نظر می گیرند. و زندان را به جبهه جنگ تعرضی، بی امان و پیگیر، به ضد دشمن طبقاتی و وابسته به امپریالیزم؛ تبدیل می نمایند.

۷- «چرا پدیده ای به نام شکنجه؟!»:»

نویسنده " در جدال با خاموشی " بحث علمی اش را روی همین عنوان تمرکز داده می نویسد :

« معمولاً در برخورد به شکنجه (واضح است که در اینجا شکنجه زندانی سیاسی مطرح است و در این محدوده نیز در مورد "شکنجه" بحث می شود) جنبه های احساسی و عاطفی قضیه بیشتر مورد توجه قرار می گیرد ؛ به عبارت دیگر توجه ها بیشتر به حد وحشیگری شکنجه گر و درد و عذاب شکنجه و چگونگی مقاومت زندانی جلب می شود . اما ، اگر قرار باشد شناخت علمی از واقعیت های تاریخی را توشه راه مبارزاتی خود سازیم ، باید در تجزیه و تحلیل شرایط زندان های ایران ، خود این پدیده را به طور علمی بررسی نمائیم و آن را نه به مثابه یک امر ایستا که گویا از اول وجود داشته و تا ابد نیز وجود خواهد داشت بلکه در ارتباط با شرایط مبارزه طبقاتی و با تحولات آن مورد توجه قرار دهیم. بنابر این، قبل از هر چیز لازم است که ما در مورد چرایی پدیده شکنجه و هدف های کوتاه مدت و دراز مدتی که رژیم های دیکتاتور از اعمال آن تعقیب می کنند ، تعمق کنیم . با مد نظر گرفتن این موضوع ، در اینجا مطلب را از تأمل روی خود پدیده "شکنجه" آغاز می کنم »

نگارنده اثر "در جدال با خاموشی" با تبحری که در شناخت پدیده ها دارد ، بعداً بافت های روی هم انباشته واقعیت های باز نشده را گشوده به این نتیجه می رسد که "عوامل ریشه ئی" ؛ حنا تعیین کننده چگونگی و حد شکنجه می باشند و کاوشگر نباید تنها یک ایدئولوژی و سیمای حکومتی را دال بر اعمال شکنجه و یا چگونگی آن تصور نماید و یا در شکل بد تر آن افراد خاصی در قدرت دولتی را مسبب شکنجه بشناسد.

نویسنده که به رهنمود فشرده لنین " دیالکتیک : مطالعه تضاد ها در جوهر اشیاء است " یعنی به شگرد و شیوه های شناخت دیالکتیکی در شکافتن پدیده ها عمیقاً باورمند بوده آن را استادانه به کار می گیرد ، درنگ و ایستائی ، تسریع و شتاب ، دگرگونی و استحاله در یک سخن تمامی اثرات و فعل و انفعالات کلیه جهات ممکن پدیده های مورد کاوش را بالای یک دیگر شان ، در برش زمانه های مختلف تاریخی با شکیبائی یک کاوشگر کمونیست سنجش نموده ، یعنی پدیده های داخل زندان ها را در ارتباط با حوادث و رخداد های سیاسی ، نظامی ، اقتصادی خارج از زندان ها مورد ارزیابی قرار داده [که استنتاج از آن نیاز مبرم مبارزه طبقاتی در شرایطی که حد نهائی وحشیگری های رژیم جمهوری اسلامی علیه توده های مظلوم و شدیداً استثمار شده ایران از یکجانب و از جانب دیگر درنده خوئی و بی حیائی امپریالیزم امریکا در تجاوز بر افغانستان و عراق ؛ می باشد] ؛ می نویسد :

« اصولاً باید بدانیم که شکنجه نیز به مثابه یک پدیده در جامعه ، همانند هر پدیده اجتماعی دیگر بر یک زمینه مادی استوار است . به همین خاطر هم کمونیست های راستین که ماتریالیست می باشند و با دید ماتریالیستی به مسائل می نگرند ، همواره سعی می کنند دلایل مادی وجود شکنجه در یک جامعه را هر چه مشخص تر و عینی تر به توده ها بنمایانند . »

و در زیر عنوان " چرا پدیده ای به نام شکنجه " نویسنده برداشت علماً شکل گرفته ، یعنی محتوای سیاسی - اقتصادی مقوله شکنجه را اینطور بیان می نماید :

« شکنجه ، ابزاری در دست حکومت های مدافع طبقات استثمارگر می باشد که آن را در مورد کسانی که علیه ظلم و ستم حاکم بر جامعه به پا خاسته اند- چه در مورد روشنفکران انقلابی و چه در مورد توده های آگاه و مبارز - به کار می برند. (هر چند در چنین جوامعی بزه کاران اجتماعی نیز مورد شکنجه قرار می گیرند) . بنابر این ، شکنجه به وضوح مخصوص جامعه ای است که پایه هایش بر ستم و استثمار بنا شده است. در چنین جامعه ای ، شکنجه جهت بازداشتن روشنفکران و توده ها از مبارزه ، یک الزام است ؛ " ضرورتی" است اجتناب ناپذیر . در حقیقت ، شکنجه همواره با سیستم های مبتنی بر استثمار و بهره کشی در جامعه همزاد و همراه بوده است . « و در جای دیگر از این بحث ، علت وجودی ، یعنی واقعیت های این پدیده را به ارزیابی گرفته بعداً در رابطه با شکنجه و زندان در سالهای ۵۰ و ۶۰ اضافه می نماید :

« با توجه به چنین واقعیت هائی اکیداً لازم است که ما در برخورد مشخص با شکنجه و زندان در ایران در سال های دهه ۵۰ و ۶۰ ، شرایط مبارزاتی حاکم بر جامعه در آن دوره ها را مورد مذاقه قرار دهیم، ضمن آن که تفاوت های شکلی و لفافه های ایدئولوژیکی خاص هر یک از رژیم های شاه و جمهوری اسلامی - که مسلماً به نوبه خود در این رابطه تأثیر گذار بوده و ؛ حتا در چگونگی وضعیت زندان ها نقش مهمی ایفاء کرده اند - را نیز مدنظر و توجه خود داریم. « .

در پایان این پیکره ، تحلیل همه جانبه و شفافی از شرایط متفاوت (دوره حکمرانی شاه دیکتاتور و دوره خیمینی جلاد و خلف وحشی وی خامنه ای) داده شده است .

ادامه دارد